

۹۷ در سیرجان

دیدیم در حال حاضر و با توجه به قیمت گوشت، باز هم گوسفند، این عالیجناب پشمینه پوش، شخصیت برتر سال است! ناچار شدیم یک قید آدم ها و «چهره ها» بیآوریم که حداقل سر و کارمان با گوسفند جماعت نیفتد! هر چند به امسال شهرمان:

سروانزه! از حسن پور حمایت کرد! خلاصه نزدیک بود کار بالا بگیرد و داریوش و گوگوش هم وارد معرکه بشوند که با تصویب قانون ممنوعیت نماینده شدن هر فرد بیش از سه بار، ماجرا حداقل تا شورای نهم ختم به خیر شد.
در انتها دو جمله ماندگار از ایشان را که اخیرا در یک مصاحبه گفته، برای عبرت آیندگان منتشر می کنیم:
شهباز حسن پور: «در عزل و نصبها دخالت نمی کنم، نظر کارشناسی می دهم»
شهباز حسن پور، چند دقیقه بعد: «نه تنها با عزل رییس سابق اداره ی راه و شهرسازی مخالف بودم بلکه مدیر استانی که ایشان را عزل کرد، عزل کردم!»



چهارم: شهباز حسن پور؛ محبوب دل ها!

در محبوبیت حسن پور همین بس که عارف، آهنگ «سلطان قلبها» را به او تقدیم کرد! حسن پور که دارد خودش را برای انتخابات سال آینده مجلس آماده می کند، اخیرا گفته رقیبانش را ریز می بیند! رقیبانش هم گفتند که حاجی! عینکات رو بز، درشت می شیم!

در ایران سه سربال رکورد بیشترین پخش را دارند: دوم، سربال جومنگ! سوم، سربال مختارنامه و اول، سربال ناز کردن های حاجی و گفتن این جمله که «شاید این دفعه از کرمان کاندیدا شوم!» در همین رابطه یک خواننده ی لس آنجلسی موسوم به «کوروس» با سرودن شعری به نام «ناز نکن، ناز نکن» به حرف های حسن پور واکنش نشان داد اما خواننده ی دیگری موسوم به ایی با خواندن شعری به نام «شهباز ناز کن که نازت، به



پنجم: طاهره جهانشاهی؛ مسوولی که نیست!

ذهن انسان امروزی را دو سوال مهم فلسفی به خود مشغول کرده: دلیل آمدن انسان ها به جهان چه بوده و دلیل آمدن طاهره جهانشاهی به شورا چه بوده؟!
جهانشاهی معتقد است هدف اصلی او از آمدن به شورای شهر،

رفتن به شورای شهرستان بوده! جالب است که هدف اصلی عرب گوینی هم از آمدن به شورا، رفتن به مجلس بوده! خلاصه الان شورا یک گوشه نشسته و دارد گریه می کند و می گوید: «هیچکی منو دوست نداره! هر کی میاد توی من، هدفش اینه بره توی یه جای دیگه!»
به هر حال بزرگترین شانس که امثال جهانشاهی آورده اند این است که شورا آدم نیست! وگرنه اگر شورا آدم بود، تا حالا چند بار بهزیستی مجبور شده بود به دلیل بدرفتاری، سرپرستی شورا را از اعضای شورا بگیرد و شورا را بگذارد! کانون اصلاح و تربیت بلکه اصلاح شود!
بدون شک مهم ترین حرکت طاهره جهانشاهی در دوران عضویت در شورا، صرف نظر از حرکت از خانه تا شورا، درخواست تبعید رانندگان معترض اتوبوس های شهرداری بود! صلابت جهانشاهی در این ماجرا به حدی بود که شایعه شده رییس جمهور فرانسه از او برای مدیریت بحران جلیقه زدها دعوت به عمل آورد. هر چند جهانشاهی به دلیل همزمانی با جلسات شورای شهرستان از قبول این دعوت خودداری کرد اما با فرستادن راهکار نجویه تبعید معترضان به سایت زباله، نقش چشم گیری در کنترل شورش جلیقه زدها ایفا کرد!
اخیرا جهانشاهی به عنوان رییس شورای شهرستان به همراه باقی اعضای این شورا خواستند به نوعی روی «آزمون معادن» خواهرخوانده سیرجانی سردار آزمون، نظارت داشته باشند. آزمون معادن هم برگشته به اعضای شورای شهرستان گفته: حالا خانم جهانشاهی چون نیتش خیره، هیچی اما شماها زن تون خبر داره که روی من نظر دارین؟! جهانشاهی گام های زیادی برای گسترش مفهوم برابری موقعیت ها و تساوی بهره برداری از امکانات برای زنان برداشته اما از بس تعداد گام هاش زیاد بود، از ایستگاه زنان رد شد و دوباره به ایستگاه شورای شهرستان رسید! بنابراین امیدواریم جهانشاهی به عنوان تنها مسوول مطرح زن شهرستان، سال دیگه کاری کنه که ما جدی تر بتونیم باهاش شوخی کنیم!



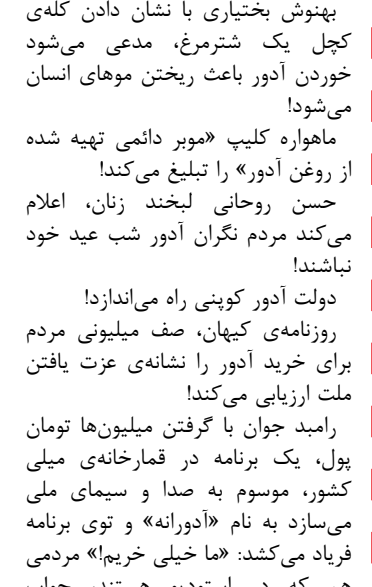
ششم: فرماندار؛ واستا دنیا، فرماندار می خواد پیاده شه!

وقتی منصور مکی آبادی فرماندار سیرجان شد، اهالی مکی آباد فکر می کردند این بار دیگه محله ی محروم شان واقعا آباد می شود اما نشد که نشد!
شایعه شده فرماندار برای جلوگیری از ایجاد شائبه، به مدیران شهرستان دستور داده نه تنها هیچ امکاناتی به مکی آباد ندن که هر امکاناتی هم که تا حالا دادن، پس بگیرن!
یک روز من توی خانه نشسته بودم که دیدم فرماندار اعلام کرده که «اگر من را نخواهند، می روم!» باور نمی کردم که یک مسوول آن قدر به نظر مردم احترام بگذارد که مملکت ما همین گونه اند و چون مردم می خواهند، هستند! اصولا ما توی مملکت دو نوع مسوول مردم خواه داریم: مسوولانی که چون مردم می خواهند، هستند و مسوولانی که چون مردم غلط می کنند نخواهند، هستند!
در همان زمان حتی شایعه شد که جناب فرماندار، در استوری اینستاگرام خود مرقوم کرده: «من آن گلبرگ مغرورم که می میرم ز بی شغلی/ ولی با منت و خواری بی شغلی نمی گردم!» خلاصه همچنان در حال شاخ در آوردن از جمله ی جناب فرماندار بودم و تقریبا ارتفاع شاخ هایم داشت به حدود دو متر می رسید! البته بعدا دوستان بالا به جرم شاخ شدن، شاخم رو شکستند! اما بعد فهمیدم منظور ایشان از «اگر مرا نخواهند»، مردم نیوده بلکه مسوولان بوده است! این جا برای ما سوال شد اصولا مگر ممکن است مسوولان فردی را نخواهند و آن مسوول بماند که فرماندار چنین حرفی زده؟! مثل این می ماند که من بگویم اگر سردبیر سخن تازه مرا نخواهد، من می روم! بعد دیدم اصلا به من چه؟ به قول شاعر: سری که درد نمی کند چرا دستمال من زیر درخت آلبالو گم شده؟!
آخر: مردم؛ طاقت بیار و مرد باش!



آخر: مردم؛ طاقت بیار و مرد باش!

به لطف مسوولان مملکت و این اقتصاد خراب، رسما طی یک فرگشت مکتب داخلی، داریم از آدم به شتر تغییر شکل می دهیم! آن هم نه فقط از نظر بار بی کفایتی ها را بردن و دم زدن که حتا از لحاظ غذایی هم با توجه به این گرانی های سرسام آور، احتمالا به زودی مجبوریم به خوردن آدور روی بیآوریم! در چنین شرایطی احتمالا به زودی اول شاهد گرانی آدور خواهیم بود!
در مرحله ی بعد آدور کمیاب شده و خبر از قاچاق آن به کشورهای همسایه داده می شود!
در مرحله ی بعدی چند محترک آدور شناسایی و سلطان آدور مملکت دستگیر می گردد!
سپس جهانگیری وارد گود شده و خبر از اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای تهیه ی آدور مورد نیاز مردم خواهد داد! معلوم می شود عده ای با ارز مخصوص آدور، الوک وارد کرده اند و باقی پول را به جیب زده اند!
متهم پرونده ی چند هزار میلیارد دلاری آدورها، به کانادا فرار و از کنار ویلای لاکچری خود، به وسیله ی نشان دادن مداوم انگشت شست به مردم ایران، برای امان آرزوی موفقیت می کند!
تلویزیون در خبر بیست و سی اعلام می کند آدور برای سلامتی مضر است و بهتر است مردم سنگ بخورند!
پهنوش بختباری با نشان دادن کله ی کچل یک شترمرغ، مدعی می شود خوردن آدور باعث ریختن موهای انسان می شود!
ماهواره کلیپ «موبر دائمی تهیه شده از روغن آدور» را تبلیغ می کند!
حسن روحانی لیخند زنان، اعلام می کند مردم نگران آدور شب عبید خود نباشند!
دولت آدور کوپنی راه می اندازد!
روزنامه ی کیهان، صف میلیونی مردم برای خرید آدور را نشانه ی عزت یافتن ملت ارزیابی می کند!
رامبد جوان با گرفتن میلیون ها تومان پول، یک برنامه در قمارخانه ی میلی کشور، موسوم به صدا و سیمای ملی می سازد به نام «آدورانه» و توی برنامه فریاد می کشد: «ما خیلی خریم!» مردمی هم که در استودیو هستند، جواب می دهند: «خیلییییییی!»



آخر: مردم؛ طاقت بیار و مرد باش!

روزی سیب در ایام نوروز با همان کادر پزشکان مجرب همیشگی خدمتگزار شماست



نمای ورودی درمانگاه



بخش پذیرش و سالن انتظار



پزشک عمومی



اتاق تزریقات مستقل



بخش دندانپزشکی



اتاق استریل مرکزی CSR



بخش مامایی



تخت بستری و اکسیژن سترال



خدمات پرستاری